

بسم الله الرحمن الرحيم

درسنامه سطح 2

دستی از غیب ؛ جلسه دوم

موضوع: مباحث هستی شناسانه اعتقاد به غیب ،
حمایت الهی و مدیریت فرامادی در زندگانی مؤمنانه

تهیه شده در : موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

فهرست مطالب (ادامه مطالب جلسه اول)

7. مفهوم حمایت غیبی و مکانیزم تأثیر آن
8. حمایت الهی از مؤمنان
9. حمایت شیطان از گمراهان
10. انواع و اقسام حمایت الهی
11. شرط و روش برخورداری از حمایت غیبی
12. نسبت بین قانون حمایت و قانون ابتلاء
13. نسبت بین قانون حمایت و قانون تلاش
14. ویژگی‌های مدیریت فرامادی

(ادامه مطالب جلسه اول)

7. رابطه با غیب و حمایت الهی از مؤمنین و جامعه‌ی مؤمنان

در جلسه گذشته روشن شد که خدای متعال طبق وعده‌ای که فرموده مؤمنان حقیقی را مورد حمایت خویش قرار دهد. در سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش نیز بر این حمایت الهی تأکید شده است تا جایی که از قول خدای متعال نقل شده: کنت سمعه الذی یسمع و یده ... و رجله... و عینه و ...؛ بنده‌ی مؤمنم همواره با انجام مستحبات به من نزدیک می‌شود تا آن که من خود، گوش و چشم و دست و پایش می‌شوم...

از این روایت این طور فهمیده می‌شود که خدای متعال، مدیریت شخص پرهیزگار و مؤمن را بر عهده می‌گیرد و تمام سراپای او خدایی می‌شود. بنابر این شخص مؤمن وقتی تدبیری می‌کند تدبیر خدایی و نتیجه بخش خواهد بود و در تدبیرش شکست راه ندارد. این یعنی همان مدیریت فرامادی.

عوامل رابطه با غیب: همان طور که از این روایت و آیات شریف قرآن کریم و دهها روایت دیگر معلوم می‌شود مهم ترین سبب رابطه با غیب و قرار گرفتن تحت حمایت الهی انجام واجبات و مستحبات (و البته ترک محرمات و مکروهات) است. خوب است چند مورد نام برده شود:

1. خواندن نماز در رأس واجبات از مهمترین عوامل رابطه با غیب است. البته مقصود نمازی است که با رعایت آداب و شرائطش و با در نظر گرفتن احکام، آداب و اسرار نماز باشد که شرح و توضیح

آن در کتابهایی مثل آداب الصلاة امام خمینی و سر الصلاة امام خمینی و نیز کتاب راز نماز حضرت آیه الله خامنه‌ای و کتاب پرتوی از اسرار نماز استاد قرائتی آمده و می‌توانید آن‌ها را بخوانید و یاد بگیرید.

2. قراءت قرآن کریم به عنوان خزانه‌ی علم خداوند و کتابی که از غیب آمده است.
3. دعا به درگاه الهی و مناجات با قاضی الحاجات (مخصوصاً دعای کمیل و دعا‌های بعد از نماز).
4. توسل به پیامبر اعظم و اهل بیتش به ویژه امام زمان علیهم السلام (مخصوصاً زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا و زیارت آل یاسین).

پرسش:

آیا حمایت‌های الهی فقط در زندگی شخصی است یا شامل جامعه و نظام سیاسی اجتماعی مؤمنین نیز می‌گردد؟ (در صورت وجود وقت کافی، ابتداءً به پاسخ‌های تعدادی از دانش آموزان گوش کنید).

پاسخ:

با مراجعه به قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام معلوم می‌شود که در گذشته - چه در امت اسلام و چه در امت‌های پیشین - نه تنها اشخاص مؤمن بلکه جامعه‌ی مؤمنان نیز مشمول عنایت و حمایت الهی بوده‌اند. امروز هم خدا همان خداست و با اسم مبارک «یا ولی المؤمنین» جامعه‌ی مؤمنان را تحت حمایت خود قرار می‌دهد؛ چرا که به مقتضای آیه‌ی شریفه‌ی «لا تبدل لخلق الله» این یک قانون تغییر ناپذیر الهی است و «تلك الايام نداولها بين الناس». بنابراین دلیلی ندارد که آیه شریفه «ان الله يدافع عن الذين امنوا» را فقط مخصوص گذشته بدانیم بلکه باید بپذیریم یک سنت تغییر ناپذیر و برای همیشه است و همانطور که در گذشته شامل فرد و جامعه بود الان نیز این چنین است. فقط کافی است ما در زمره‌ی مؤمنین واقعی باشیم تا در زندگی فردی و اجتماعی خود از حمایت الهی بهره‌مند گردیم. نمونه‌های فراوانی بر این مدعا وجود دارد که در فصل آخر خواهیم گفت. ان شاء الله. البته همان طور که توضیح دادیم این سخن به معنای سلب مسؤلیت از انسان نیست.

نکته:

در صورتی که شرایط را به درستی فراهم کنیم، امروز هم حمایت‌های الهی قابل تکرار است. این طور نیست که حمایت و نصرت الهی صرفاً مربوط به گذشته‌ها - مثلاً دوره‌ی انبیاء - باشد. چرا؟ چون خدای متعال با همه‌ی آن اسماء و صفاتی که در گذشته داشت امروز هم حاکم بلامنازع عالم است و قوانین الهی هم تغییر ناپذیر می‌باشد. آری! در عصر غیبت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام نیز این سنت الهی ادامه دارد و امت مؤمن همواره از حمایت و امداد غیبی و هدایت باطنی برخوردار خواهند بود.

8. انواع و اقسام حمایت الهی

روشن شد که زندگی فردی و اجتماعی بشر مشمول لطف‌ها و رحمت‌های خاصی میشود که به انسان مدد می‌رساند. اما خدای متعال چگونه و از چه راه‌هایی از مؤمنان حمایت می‌کند؟ انواع حمایت‌های الهی کدام است؟

واقعیت این است که ما با عقل‌های عادی خودمان نمی‌توانیم همه‌ی راه‌های حمایت الهی از مؤمنان را بشناسیم. چرا؟ چون تمام موجودات عالم و نظامات حاکم بر آن در دست قدرت الهی است و ما از همه‌ی این موجودات احیاناً نامرئی و نظامات پیچیده مطلع نیستیم.

اما به طور کلی با استفاده از قرآن و روایات و تجربه، انواع و اقسام حمایت الهی را می‌توان چنین برشمرد:

1. الهامات و هدایت‌های باطنی: استاد شهید آیه الله مطهری در این زمینه می‌نویسد: آن چه را معمولاً از راه‌های حصول علم می‌دانیم دو تاست: یکی تجربه و مشاهده‌ی عینی و دیگری قیاس و استدلال منطقی.¹ ولی آیا تمام معلومات بشر فقط از این دو راه است؟ بسیاری از دانشمندان معتقدند که راه سوم نیز هست و اغلب اکتشافات بزرگ به صورت ناگهانی در روح و مغز دانشمند جهیده است.

ابن سینا معتقد است که چنین قوه‌ای در بسیاری از افراد کم و بیش وجود دارد و یک و شاهد ما آیه‌ی شریفه‌ی است که می‌فرماید:

یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسہ نار (نور / 35): نزدیک است که روغنش روشنی بخشد هر چند آتشی بدان نرسیده باشد)

دانشمند معروف، غزالی در بحث وحی و نبوت می‌گوید: بهترین دلیل بر امکان وحی، وقوع آن است؛ زیرا بشر اطلاعاتی درباره‌ی داروها یا درباره‌ی نجوم دارد که مسلماً از تجربه و آزمایش به دست نیامده است و

1 . البته از یک نظر دقیق فلسفی و بر اساس قاعده‌ای که می‌گوید: مفیض صور علمی عقل مجرد است، در همین موارد نیز یک منشأ الهامی وجود دارد.

فقط باید گفت لطف الهی از طریق الهام، بشر را هدایت کرده است. نابغه‌ی بزرگ جهان خواجه نصیرالدین طوسی نیز نظیر همین مطلب را در مورد برخی از صنایع می‌گوید. در میان دانشمندان زمان ما - که دوره‌ی مدرن است - نیز این نظریه طرفداران فراوانی دارد، چنان‌که آلکسیس کارل در کتاب «انسان موجود ناشناخته» دانشمندان را به دو دسته تقسیم می‌کند: دانشمندان منطقی و دانشمندان اِشراقی.

ریاضیدان فرانسوی ژاک هادامار، در مقاله‌ای با نام «نقش شعور باطن در تجسّمات علمی» مدعی است که هر دانشمند محقّقی کم و بیش احساس کرده که برخی مطالب علمی او حاصل یک سلسله الهامات درونی می‌باشد. انیشتین نیز شبیه این مطلب را گفته است.²

2. تقویت دل و اراده: خدای متعال دل مؤمنین را قوی می‌کند و ثبات قدم آنان موجب پیروزی می‌شود.
3. فراهم شدن وسایل مادی کار: گاهی خداوند وسیله سازی می‌کند و توفیق مرحمت می‌کند. معنای توفیق الهی این است که اسبابی که خارج از دست خود انسان است مهیا می‌گردد تا اراده الهی محقق شود.
4. معجزه و کرامت: که خود بحث مفصلی دارد و از حد این کتاب خارج است.

5. ظهور منجی و مصلح: استاد شهید آیه الله مطهری در این باره می‌نویسد: «همیشه یا غالباً ظهور نوابغ بزرگ یا پیامبران عظیم الشانی مثل حضرت ابراهیم، موسی، عیسی و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله در شرایطی بوده که جامعه‌ی بشری سخت نیازمند آن‌ها بوده است و معمولاً در مواقعی ظهور کرده‌اند که بشریت در یک پرتگاه خطرناک قرار داشته و آنها سبب نجات و اصلاح اجتماع خود شده‌اند. مسأله‌ی مهدویت در اسلام نیز چنین است».³

9. شرط و روش برخورداری از حمایت غیبی

آیا جلب حمایت دست غیب شرایطی و ضوابطی دارد؟ آیا استمداد از حضرت حق تعالی قاعده و فرمول دارد؟ مسلماً پاسخ مثبت است و حمایت الهی، بی‌محاسبه، بی‌حساب و کتاب و کُتره‌ای نیست. اما چرا؟ چون خداوند حکیم است و هیچ کاری بدون حکمت از او سر نمی‌زند. حالا شاید بپرسید چگونه می‌توانیم مورد حمایت الهی قرار گیریم؟ شرط برخورداری شدن یک فرد یا یک جامعه از حمایت دست غیب چیست؟ با چه روشی می‌توان این عنایت و نصرت الهی را جلب کرد؟

2 . امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص 83. (با اندکی تصرف)
3 . امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص 83.

استاد شهید آیه الله مطهری «کوشش و اخلاص» را دو شرط برخورداری از حمایت غیبی دانسته و می-نویسد: «مددهای غیبی دو شرط دارد: اول: عمل و کوشش و مجاهدت. دوم: نیت خالص داشتن. قرآن کریم می فرماید: ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم یعنی یاری کردن الهی مشروط است به یاری کردن قبلی شما نسبت به دین خداد و مخصوصاً این که خالصانه و «الله» و «فی الله» باشد. یا می فرماید: و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا در این جا نیز، هم صرف نیروی بدنی (کوشش و جهاد) و هم صرف نیروی روحی (فینا؛ یعنی در راه ما) را شرط قرار می دهد. این که زندگی انسان اگر مقرون به حق جویی و اخلاق و عمل باشد مورد حمایت حقیقت قرار خواهد گرفت علاوه بر این که از لوازم ایمان به انبیاست یک حقیقت تجربی و آزمایشی است، البته تجربه و آزمایش شخصی؛ یعنی هر کسی لازم است در عمر خویش چنین کند تا اثر لطف و عنایت پروردگار را در زندگی خود ببیند و چقدر لذت بخش است معامله با خدا و مشاهدهی آثار لطف او. این کار سختی نیست و مراحل اولیه اش آسان است؛ انسان می تواند با خدمت به خلق، مخصوصاً احسان به والدین، به شرط اخلاص، کم و بیش آثار لطف خدا را همراه خود ببیند، و من خودم می توانم ادعا کنم که عملاً لطف پروردگار را در این شرایط وجدان کرده ام.»⁴

اما به نظر می رسد برای جلب حمایت حداکثری از غیب عالم چیزهای دیگری هم شرط باشد: دعا و خواستن از حق تعالی و پافشاری و اصرار بر دعا؛ آن هم با رعایت شرایط دعا مهمترین شرط است. در این راستا، استخارهی دعایی یکی از بهترین راههای جلب حمایت الهی است: ما استخار الله عبد الا اثار له؛ هیچ بنده ای نیست که از خدا طلب خیر کند جز آن که خداوند خیر و خوبی را برای او بر می گزیند.

10. نسبت بین قانون حمایت و قانون ابتلاء

پرسش: چه نسبتی بین «قانون حمایت الهی» از یک طرف و «قانون امتحان و ابتلاء الهی» از سوی دیگر وجود دارد؟ به عبارت دیگر، قانون حمایت الهی می گوید خداوند از مؤمنان حمایت می کند و به آنها یاری می رساند. اما قانون امتحان و ابتلاء می گوید خداوند مؤمنان را امتحان می کند و آنان را می آزماید و به گرفتاری هایی دچار می کند تا ببیند چه می کنند. آیا این دو قانون با هم تنافی ندارند؟ بالأخره خداوند از مؤمنان حمایت می کند یا آنها را به گرفتاری مبتلا می کند؟

پاسخ:

4 . امدادهای غیبی در زندگی بش، ص 71.

اولاً، حمایت الهی گاهی فقط پس از امتحانات و ابتلائات شامل مؤمنین می گردد. در واقع بعد از آن که مؤمنین در آزمونهای الهی موفق شدند مورد نظر حق تعالی قرار می گیرند و در تکمیل و تداوم موفقیت ها از نصرت الهی برخوردار می شوند. به عبارتی موفق شدن در امتحانات سبب بهره مند شدن از عنایات خاص و حمایت الهی است.

ثانیاً، گاهی خود حمایت الهی یکی از امتحانات است؛ به این معنا که خداوند از آنها حمایت می کند تا ببیند آیا شکرگزاری می کنند و قدر حمایت و نصرت الهی را می دانند یا نه؟

11. نسبت بین قانون حمایت و قانون تلاش

پرسش: اگر دست غیب و حمایت الهی واقعیت دارد دیگر به چه دلیل خود را به زحمت بیندازیم و تلاش بیهوده کنیم؟ آیا بهتر نیست کارها را به طور کلی به خداوند قادر واگذار کنیم و آسوده گردیم؟ به عبارت دیگر، قانون حمایت می گوید مؤمنان را تحت حمایت خود قرار می دهم. اما قانون تلاش می گوید خودت اقدام کنی و بدون کار و زحمت چیزی حاصل نمی شود. آیا این دو قانون با هم تنافی ندارد؟

پاسخ: آری، قرآن کریم می فرماید: لیس للانسان الا ما سعی؛ نیست برای انسان، مگر آن چه که تلاش می کند. و در جای دیگر می فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ خدای متعال سرنوشت هیچ گروهی را تغییر نمی دهد مگر آن که خودشان تغییری بدهند.

این دو آیهی کریمه قانون تلاش را - که از اصول و قوانین مهم الهی حاکم بر زندگی ماست - بیان می کند و حق است. اما آیهی و کان حقا علی الله نصر المؤمنین نیز - که بیانگر قانون حمایت الهی از مؤمنین است - از قوانین الهی می باشد و حق است.

نسبت قانون تلاش به قانون حمایت مثل نسبت حرکت و برکت است. وقتی بندهی خدا حرکت می کند خدای متعال به او تفضل می کند و برکت می دهد. اگر حرکتی نباشد برکتی هم نیست. در بعضی از روایات آمده است: اگر بنده من یک وجب در راستای رضای من گام بر دارد من یک ذراع به سوی او می آیم؛ یعنی همیشه عنایت الهی به حرکتی که برای رضایش باشد برکت می دهد.

استاد شهید آیه الله مطهری رحمت الله علیه سخن نغزی در این جا دارد: «جهان یک واحد زنده‌ی با شعور است و اعمال و افعال بشر عکس العمل دارد. یک فرد مادی هر قدر به مسلک خود معتقد باشد و هر قدر آرمانش مقدس و دور از خود خواهی و نفع پرستی باشد [مثلاً یک وطن پرست واقعی]، بیش از این عقیده ندارد که به اندازه‌ی سعی و کوشش خود نتیجه می‌گیرد اما یک انسان مؤمن و معتقد به خدا و غیب می‌داند که اگر در راه حق فداکاری کند، دستگاه جهان به حمایت او بلند می‌شود و صدها هزار برابر نیروی او، نیروی ذخیره در جهان هست که به یاری او می‌آید.»⁵ (کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر و کتاب انسان و سرنوشت به دانش آموزان نشان داده شود).

12. چشمی از غیب مراقب ماست

روایات مربوطه. داستان دستور استاد به شاگردان مبنی بر سر بریدن مرغ در خلوت. اتقوا الله فی الخلوات فان الشاهد هو الحاکم. ثلاثة...

رسول خدا(ص) فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْبَتَ اللَّهُ لَطَائِفَةَ مِنْ أُمَّتِي أَجْنِحَةَ فَيْطِيرُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ إِلَى الْجَنَانِ يَسْرَحُونَ فِيهَا وَ يَتَنَعَّمُونَ كَيْفَ شَاءُوا. فَتَقُولُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ: هَلْ رَأَيْتُمْ الْحِسَابَ؟ فَيَقُولُونَ: مَا رَأَيْنَا حِسَابًا. فَيَقُولُونَ: هَلْ جُزْتُمْ عَلَى الصَّرَاطِ؟ فَيَقُولُونَ: مَا رَأَيْنَا صِرَاطًا. فَيَقُولُونَ: هَلْ رَأَيْتُمْ جَهَنَّمَ؟ فَيَقُولُونَ: مَا رَأَيْنَا شَيْئًا. فَتَقُولُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ: مِنْ أُمَّةٍ مَنْ؟ فَيَقُولُونَ: مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ (ص). فَيَقُولُونَ: نَشَدْنَاكُمْ اللَّهُ حَدَّثُونَا مَا كَانَ أَعْمَالُكُمْ فِي الدُّنْيَا؟ فَيَقُولُونَ: خِصَلْتَانِ كَانَتَا فِيْنَا فَبَلَّغْنَا اللَّهُ هَذِهِ الدَّرَجَةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ. فَيَقُولُونَ: وَ مَا هُمَا؟ فَيَقُولُونَ: كُنَّا إِذَا خَلَوْنَا نَسْتَحْيِي أَنْ نُعْصِيَهُ وَ نَرْضَى بِالْيَسِيرِ مِمَّا قُسِمَ لَنَا»⁶ زمانی که قیامت برپا شود، خداوند به گروهی از امت بال‌هایی عطا می‌کند که با آن از قبورشان به سوی بهشت پرواز می‌کنند و در آن در کمال ناز و نعمت خواهند بود. فرشتگان (که گویا از این که آنان زودتر از دیگران وارد بهشت شده‌اند، تعجب کرده‌اند، خطاب) به آنان می‌گویند: آیا به حساب شما رسیدگی شده است؟ آن‌ها در پاسخ می‌گویند: ما حساب و کتابی ندیدیم. فرشتگان دوباره می‌پرسند: آیا از صراط عبور کردید؟ آن‌ها می‌گویند: ما صراطی ندیدیم. فرشتگان برای بار سوم می‌پرسند: آیا جهنم را مشاهده کردید؟ این بار آن‌ها می‌گویند: ما

5 . امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص 231؛ انسان و سرنوشت مبحث تأثیر عوامل معنوی در سرنوشت.
6 - بحار الانوار، ج 100، ص 26.

هیچ چیز ندیده‌ایم. فرشتگان می‌پرسند: شما از امت کدام پیامبر هستید؟ می‌گویند: از پیروان حضرت محمد (ص). فرشتگان (که گویا دریافته‌اند که این گروه به خاطر اعمال پسندیده خود وارد بهشت شده‌اند)، می‌گویند: شما را به خدا قسم به ما بگویید در دنیا چه کرده‌اید که به این مقام رسیده‌اید؟ می‌گویند: در ما دو خصلت و ویژگی وجود داشت که خداوند بزرگ به خاطر آن از روی فضل و رحمت بی‌کران خود ما را به این مقام رساند. فرشتگان می‌پرسند: آن دو ویژگی کدامند؟ می‌گویند: روش ما این بود که هر گاه در مکان خلوتی بودیم و زمینه گناه برای ما فراهم می‌شد (حضور خداوند را احساس می‌کردیم، از این رو) شرم می‌کردیم که در محضر او مرتکب گناه شویم. ویژگی دیگر ما این بود که به آن چه خداوند روزی ما کرده بود، راضی و شکرگذار بودیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «خَفِيَ اللَّهُ كَانِكَ تَرَاهُ وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ عَلَيْكَ»⁷ از خدا چنان پروا کن که گویا او را می‌بینی و اگر به این درجه از یقین و معرفت نرسیده‌ای، بدان که او تو را در هر حالی که باشی، می‌بیند؛ پس اگر اعتقاد داشته باشی که خداوند تو را نمی‌بیند از مسلمانی فاصله گرفته‌ای و اگر بدانی که تو را می‌بیند ولی با این حال مرتکب گناه شوی، در این صورت برای خدا حتی به اندازه کمترین بیننده هم ارزش قائل نشده‌ای.

امام علی علیه السلام فرمود: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»⁸ از معاصی خدا در خلوتگاه‌های خود بپرهیزید، زیرا خداوندی که شاهد است، همو داور است.

13. ویژگی‌های مدیریت فرامادی

معنای مدیریت فرامادی چیست؟ مدیریت فرامادی چه ویژگی‌هایی دارد؟ برای اطلاع بیشتر در این موضوع به مقاله‌ای با همین نام می‌توانید مراجعه کنید. اما به طور مختصر باید بگوییم مهمترین ویژگی مدیریت فرامادی عبارت است از: اعتماد عمیق به خدای متعال و نصرت الهی و اتکال به نیروی غیب و قدرت بی‌انتهای حضرت حق. مدیریت فرامادی زاینده‌ی تفکر فرامادی است. در تفکر فرامادی، همه تحت تسخیر حق تعالی هستند و به قول حکما و فلاسفه، مسأله‌ی فاعلیت بالتسخیر است؛ یعنی ما و اراده و کارهای ما

⁷ - کافی، ج 2، ص 68.

⁸ - بحار الانوار، ج 78، ص 70.

در دست قدرت حق تعالی است. کسی که خود را محدود در این دنیا نمی‌بیند به چیزهایی فراتر از ماده باور دارد، طبیعی است که در نوع مدیریت هم تفاوت ماهوی با مدیریت مادی داشته باشد.

14. قدرت نمایی خدای متعال در پیروزی انقلاب اسلامی ما

در روزگار ما، بهترین نمونه مدیریت فرامادی را در وجود مبارک امام امت، حضرت امام خمینی دیدیم. ایشان در سخت‌ترین شرایط اسارت، تبعید و شهادت فرزند برومندشان حضرت آیت الله حاج آقا مصطفی، درحالی که ایشان را برای آینده‌ی اسلام استوانه‌ای می‌دانستند، به محض شنیدن خبر شهادت ایشان، آن را از الطاف خفیه‌ی الهی می‌دیدند. شهادت ایشان، موجب برگزاری مراسم چهلم باشکوه در قم گردید و رژیم منحوس پهلوی را وادار به عکس‌العمل و به شهادت رساندن سوگواران نمود و در ادامه این شهادت‌ها مراسم مختلف چهلم شهیدان در شهرهای مختلف و عکس‌العمل رژیم و شهادت افراد و... موجب آغاز درگیری‌ها با ایادی شاه و ادامه آن تا پیروزی الهی انقلاب اسلامی گردید.

جالب است بدانید که تعبیر «عنایت الهی» در صحیفه‌ی امام 14 بار به کار رفته است.

بیاید قدری به گذشته برگردیم

سال 1357. اوضاع جهان را چگونه می‌بینید؟ نیمی از دنیا زیر چتر شوروی کافر قرار دارد و نیمی دیگر زیر نگین سوسیالیزم و لیبرالیزم غرب - به سردمداری آمریکا - (پرچم آمریکا و نماد داس و چکش نشان داده شود و در صورت نیاز، توضیح یک کلمه‌ای پیرامون اتحاد جماهیر شوروی (کشوری که از مجموعه چندین کشور کوچک و بزرگ تشکیل شده بود و در پایان دهه‌ی شصت از هم فروپاشید) و مفهوم سوسیالیزم (نظام سرمایه‌داری) و ملی‌گرایی (خاک پرستی به جای خدا پرستی) ارائه شود). پس کشورهای اسلامی چه می‌کردند؟ آنها خود باوری خود را از دست داده و به تسلیم و دشمنان اسلام تن داده بودند و به نوکری آنها راضی شده بودند. آنها بین دو قدرت بزرگ شرق و غرب تقسیم شده بودند! اسلام و قرآن از یاد رفته بود. همه جا سخن از نژاد پرستی و ملی‌گرایی بود، آن هم دروغین و وابسته به شرق یا غرب! گویا آنها اصلاً فراموش کرده بودند که مسلمان هستند! کسانی هم که سخن حق را فریاد می‌زدند مظلومانه به شهادت می‌رسیدند. روحانی شهید میرزا کوچک خان معروف به «سردار جنگل» یکی از این افراد حق گو و حق جو بود. (درباره‌ی میرزا چه می‌دانید؟ با مراجعه به پایگاه اطلاع رسانی یاران درباره‌ی ایشان آگاهی بیشتر کسب کنید.)

آری! نزدیک بود جهان یک‌سره طعمه‌ی شرق کافر یا لقمه‌ی غرب ستمگر شود. نگاهی به ایران آن پیش از انقلاب اسلامی گویای این واقعیت تلخ است. اگر نگاهی به تاریخ کنیم خوب روشن می‌شود که: چرا انقلاب کردیم؟ با انقلاب چه چیزی تغییر کرد؟ و اگر انقلاب اسلامی نبود الان چه حال و روزی داشتیم؟

(پاره‌ای از آمارها و اطلاعات از مقاله‌ی «ما و انقلاب اسلامی» به صورت مختصر بیان شود: 1. ذلت و خواری در برابر بیگانگان: مسؤولان رده بالا و حتی مدیران میانی کشور به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط سفارت آمریکا انتخاب می‌شدند. هیچ کس منکر این مسأله نیست که شاه ایران هیچ اختیاری از خود نداشت، تا جایی که هواپیماهای ایران را بدون اطلاع مسؤولین ایران به جنگ ویتنام فرستادند. اسناد و خاطرات سفرای وقت آمریکا و حتی خانواده شاه گویای این واقعیت تلخ و ذلت بار است. در همه‌ی جهان مسؤولان با همتایان خود از کشور دیگر به گفتگو می‌پردازند، اما در کمال وقاحت و ذلت پذیری، سفیر آمریکا در جایگاه رئیس جمهور آن کشور با شاه دیدار می‌کرد و دستورات کاخ سفید را به او دیکته می‌کرد. 2. آمریکا از ارتفاعات البرز برای برپا کردن رادارهای جاسوسی از شوروی سابق استفاده می‌کرد و ارتش ایران برای سرکوب نهضت‌های منطقه به کار گرفته می‌شد، چنان که در «انقلاب ظفار عمان» این چنین شد. 3. در ترویج بی بند و باری، فساد و فحشا کار را به جایی رسید که در جشن‌های شاهنشاهی شیراز، نمایشنامه‌ی «خوک» را که در آن بازیگران برهنه در مقابل مردم در خیابان به انجام عمل منافی عفت می‌پرداختند اجرا کردند. این در حالی بود که خود دربار شاه و خانواده‌اش در فساد اخلاقی پیشتاز بودند. اشرف پهلوی خواهر شاه، نه فقط در مفاسد اخلاقی و نه فقط در معامله‌ی بین المللی مواد مخدر، بلکه در قمار بازی ید طولایی داشت، گرچه گاهی به قماربازان حرفه‌ای خارجی شبی 40 تا 50 میلیون تومان آن روز می‌باخت.) (می‌توان متن مقاله را بین دانش آموزان تکثیر کرد).

به هر حال، درست در شرایط تأسف باری که بر امت اسلام در سراسر دنیا و ایران می‌گذشت، انقلاب اسلامی به وقوع پیوست. دقیقاً در نقطه‌ای که داشت کار مسلمان‌ها یک‌سره می‌شد، انقلاب اسلامی از حوزه علمیه قم و به رهبری امام خمینی رحمت الله علیه در آینه‌ی 22 بهمن درخشید و با یک پیروزی معجزه آسا، خیلی زود نقطه‌ی امید همه‌ی مستضعفان جهان شد. (روی تابلو ترسیم شود: یک آینه مایل که شعاع‌های نور از هر جهت بر آن می‌تابد و تمام شعاع‌ها به نقشی ایران منعکس می‌شود و آن را روشن می‌کند. این شعاع‌های نور چیست؟ اینهای نورانیت و مجاهدت دل‌های مؤمن است. البته دل‌های مؤمن هم نورانیت خود را از خدای سبحان می‌گیرند. آن تک شعاع که خیلی قویتر از بقیه‌ی شعاع‌هاست و مستقیماً

از آسمان به آینه تابیده چیست؟ دخالت مستقیم حق تعالی در زندگی ما و کمک به پیروزی انقلاب اسلامی است.)

از امام خمینی چه می‌دانید؟

سرمایه‌ی پیروزی این انقلاب چه بود؟ اعتماد هزار ساله‌ی مردم به علما و روحانیت شیعه. نام کامل رهبر انقلاب که با عنایت خدا و همراهی مردم طاغوت را سرنگون کرد و نظام اسلامی را به وجود آورد چیست؟ حضرت آیت الله العظمی امام سید روح الله موسوی خمینی رضوان الله تعالی علیه.

پرسش: چرا وقتی اسم امام یا رهبر را می‌شنویم بر پیامبر بزرگوار و آل پاکش صلوات می‌فرستیم؟

پاسخ: ما با این صلوات‌ها در حقیقت پیروی خود را از راه پیامبر بزرگوارمان اعلام می‌کنیم. و چون در جهان امروز، نام امام عزیز به عنوان پرچم عزت و افتخار و نشانه‌ی اسلام ناب محمدی است، ما به عنوان پشتیبانی از اسلام ناب و بیزاری از اسلامی آمریکایی و وهابی، با شنیدن نام او سه بار صلوات می‌فرستیم تا نشان دهیم راه ما از راه کسانی که زیر بار ذلت آمریکا رفته‌اند جداست.

پرسش: چرا به ایشان امام می‌گوئیم؟ چون ایشان مردی الهی و نائب امام زمان علیه السلام و مقتدا و رهبر مسلمانان بودند. امام خمینی رضوان الله تعالی علیه مظهر قدرت الهی بود. ایشان نظام جمهوری اسلامی را تشکیل داد و ده سال رهبری و مدیریت آن را بر عهده گرفت تا این که در 14 خرداد سال 1368 رحلت کرد. گویا خود امام از قبل داستان را می‌دانست چون سالها پیش در یکی از اشعارش چنین سروده بود:

سالها می‌گذرد حادثه‌ها می‌آیند انتظار فرج از نیمه‌ی خرداد کشم

رهبری امام رضوان الله تعالی علیه در واقع یک مدیریت فرامادی بود و اقتدار خود را از حق تعالی می‌گرفت. (من خاف الله اخاف الله منه کل شیء؛ هر کس از خدا بترسد....) امام رضوان الله تعالی علیه خود بر حضور قدرت الهی و مدیریت فرامادی تأکید داشت. مثلاً در آزادی خرمشهر به جای این که مثل همه‌ی حاکمان دنیا در لحظه‌ی پیروزی، موفقیت به دست آمده را حاصل تدبیر خود و عمل نیروهایش بداند، فرمود: خرمشهر را خدا آزاد کرد. امام رضوان الله تعالی علیه همیشه می‌فرمود: ما بندگانیم که هیچ نداریم و هیچ نیستیم و هر چه هست قدرت الهی است⁹ همه چیز را از خدا بدانید، ما بنده ضعیفی هستیم که هیچ نیستیم، هر چه هست او است؛ و هر چه داریم از او داریم، و پیروزی ما به دست او واقع شد.¹⁰

9 . صحیفه امام ج 9 196
10 . صحیفه امام ج 9 719

در دوره‌ی ده ساله‌ی رهبری امام خمینی - یعنی از 22 بهمن سال 1357 تا 14 خرداد 1368- به نحو اعجاز آمیزی، کشتی نظام اسلامی از طوفان‌های سهمگین توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی به سلامت عبور کرد. مسائلی به وقوع پیوست که هر کدام آنها برای نابودی یک کشور کافی بود، ولی جمهوری اسلامی نه تنها سقوط نکرد؛ بلکه با عنایت و حمایت الهی، روز به روز مستحکم‌تر شد. حمله صدام ملعون با حمایت آمریکا، شوروی، فرانسه، آلمان و سی و چند کشور دیگر به کشور عزیز ما، تنها یکی از این توطئه‌ها بود که ناکام ماند. (تصویری از امام ارائه گردد که دست مبارکش بالای سرها به اهتزاز در آمده است.)

ولایت فقیه؛ تداوم قدرت نمایی خدای متعال

پرسش: اصلی‌ترین محور تفکر امام در مسائل سیاسی اجتماعی که نظام اسلامی را بر اساس آن پایه‌گذاری کرد چه بود؟ بعد از ایمان به خدای متعال و اسلام عزیز، مهم‌ترین اصل قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی کدام است؟

پاسخ: بله، ولایت فقیه، یعنی همان ولایت و ریاست کلی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و دوازده امام پاک علیهم السلام. امام ساله‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کتاب «ولایت فقیه» را نوشت. ایشان در آن جا فرمود: تکذیب ولایت فقیه و دشمنی با آن تکذیب ولایت ائمه اطهار است. امام می‌فرمود: پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به این مملکت آسیبی نرسد. (از دانش آموزان بخواهید اگر جملاتی از امام در این موضوع یا موضوعات دیگر از تلویزیون یا جایی یا کتابی به یاد دارند ذکر کنند. در صورت امکان کتاب ولایت فقیه امام را به دانش آموزان نشان دهید.)

بعد از امام رضوان الله تعالی علیه فقیه وارسته‌ای دیگر، شجاع، مدیر و مدبر و از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رهبری امت را بر عهده گرفت: حضرت آیت الله العظمی نایب الامام خامنه‌ای مدظله‌العالی.

در این دوره هم شگفتی‌هایی به وقوع پیوست که عقل عادی به درستی آنها را نمی‌تواند تحلیل کند. بی جهت نیست که دنیای غرب، چند سال پیش عده‌ای را مأمور ساخت تا در مورد شیوه‌ی مدیریت ایشان به ویژه در «مدیریت بحران‌های اجتماعی سیاسی» تحقیق و پژوهش علمی به عمل آورند.

واقعاً این‌ها اسرار الهی است که با دستی از غیب برای امت اسلامی حاصل شد. البته ادامه پیدا کردن این حمایت‌های الهی در گرو استمرار اخلاص و انگیزه‌های والا و مرهون مجاهدت و مقاومت امت ماست. آری! با تداوم زندگانی مؤمنانه، نصرت و یاری خداوند هم ادامه خواهد یافت تا روز موعود که امیر آسمانی کاروان بشریت یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند و با حمایت الهی و همّت و تلاش مضاعف مؤمنان، جهان را به طور کامل از تیرگی و تباهی پاک سازد. ان شاء الله.

نمونه‌هایی از کلام و رفتار امام خمینی

برای این که به فهم بهتری از مدیریت فرامادی برسیم، نمونه‌هایی در این باره از کلام و رفتار امام خمینی رحمت الله علیه نقل می‌کنیم: (چند نفر از دانش آموزان داوطلب بشوند و جملات امام را از رو بخوانند و در صورتی که وقت هست از دیگر دانش آموزان بخواهید کلمات امام را توضیح بدهند.)

1. جبهه‌ی نصرت الهی را باز کنید

نصرت یک معنایی است که در خود انسان باید متحقق بشود. ما اگر چنانچه در همه جبهه‌ها پیروز بشویم، لکن به عنوان نصرت خدا نباشد، برای نصرت خودمان باشد، بخواهیم که خودمان یک جایی را بگیریم، ما نصرت خدا را نکردیم و خدا هم آن وعده‌ای را که داده‌اند، عمل نمی‌کنند، اگر عمل کنند یک عنایت خاصی است، ربطی به ما ندارد. آنی که وعده کرده است که «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ اَقْدَامَكُمْ» آن این است که شما جبهه نصرت را باز کنید، خدا هم باز می‌کند. شما برای خدا کار کنید. برای خدا پیش بروید، برای خدا زحمت بکشید، برای خدا همه کارها را انجام دهید.¹¹

2. در انقلاب، دست غیب در کار است

این حقیقتی است که باید اعتراف کرد که [نظام سلطنتی ایران] قلعه‌ی محکمی بود که احتمال فتح آن [نمی‌رفت] و فتح شد. و دژ عظیمی بود که احتمال شکستن آن نمی‌رفت و شکسته شد. ملتی با نداشتن هیچ ابزار و ساز و سلاح بر ابرقدرتها و بر قدرت شیطانی که تا دندان مسلح بودند غلبه کرد. لکن این من نبودم که این غلبه را نصیب شما کرد، این خدای تبارک و تعالی بود. من در پاریس که بودم... آنجا اینطور فهمیدم که این دست، دست غیب است؛ انسان نمی‌تواند این وحدت را تحصیل کند. انسانها شعاع فعالیتشان محدود است؛ ممکن است یک شهر را یا یک استان را، به وحدت کلمه برساند، ممکن است که یک گروه از مردم

11. صحیفه امام، ج 19، ص: 201.

را وحدت کلمه درشان ایجاد کند لکن یک کشور سی و چند ملیونی با اختلاف گروهها، با اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور آنها، همه با هم مجتمع شدند و همه با هم دست به هم دادند و یک مطلب را خواستند. این نیست الا اینکه دست غیبی در کار است: خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان سلام الله علیه [این تحول را در مردم پدید آورد]. از آن وقت، یأس در من هیچ وقت نبوده است؛ از آن وقت بسیار امیدوار شدم که این مطلب به پیروزی خواهد رسید. البته این معنا که پیروزی به این سهلی و به این زودی نصیب بشود، [فکر نمی‌کردم] یک ملتی که هیچ ندارد در مقابل یک قدرت شیطانی؛ مثل امریکا و انگلستان به صراحت و شوروی هم پشتیبانی داشتند، همه قوای شیطانی دست به هم داده بودند در مقابل یک مشت ملت. لکن اینجا قوای رحمانی در کار بود. با خدای تبارک و تعالی هیچ کس نمی‌تواند ستیزه کند. اینجا دست غیبی الهی بود و تا این دست هست و تا این عنایت الهی هست شما پیروزیید.¹²

3. رمز پیروزی، توجه به خدا بود

باید این رمز پیروزی را حفظ کنید؛ رمز پیروزی توجه به خدا بود. اشخاصی می‌آمدند از جوانهای برومند پیش من و مرا قسم می‌دادند که شما دعا کنید ما شهید بشویم. این عنایت خدا بود. این تحول تحولی بود که به دست بشر نمی‌شد انجام بگیرد. در ملت یک تحول روحی پیدا شد، یک تحول باطنی پیدا شد؛ این تحول باطنی به دست خدا بود، با عنایت خدا بود... کاری کنید که این تحول از بین نرود... توجه به خدا را تقویت بکنید، روح خودتان را متوجه به خدا بکنید.

4. دست غیبی مردم را متحول کرد

این تحولی که پیدا شد در ملت، یک تحولی بود که الهی بود. امکان نداشت کسی تصور این را بکند که سی میلیون جمعیت یا بیشتر، که اکثراً کار نداشتند به این کارها، زمان طاغوت... یک پاسبان اگر می‌رفت در بازار و هر حکمی می‌کرد، تخلف نمی‌کردند. یک وقت یک دست غیبی پیدا شد، که این دست غیبی متحول کرد این مردمی که ضعیف بودند، به یک اشخاص پولادین... این یک قدرت الهی بود که ملت ما داشت، و الآن هم بحمدالله دارد.¹³

12 . صحیفه امام، ج 7، ص 54.
13 . صحیفه امام، ج 13، ص 235.

ضمیمه: متن مقاله ما و انقلاب اسلامی که بین دانش آموزان تکثیر می شود.

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

به قلم حجت الاسلام والمسلمین استاد ترابی زید عزه

گروه علم فرهنگی یاران سبز موعود (عج)